



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۳/۰۹/۱۵

م، نعیم بارز

## ادامه جنگ ها در عدم آگاهی مردم و خلاء شخصیت های ملی در کشور!

ایدئولوژی زده های دینی و دست پرورده های خارجی مدعی دولت داری، متأسفانه هر گاه زمانی کسی و یا کسانی واقعاً با خصوصیت ملی وطن پرستانه سربلند کرده و یا تازه روئیده اند، افراد استفاده جو و فرصت طلب برای حفظ موقعیت خود شان بدون استدلال زیر نام قوم گرا، دیکتاتور شخصیت پرست و کیش شخصیت و حتی دیوانه خطاب کردن، از حیثیت و اعتبار افراد در میان مردم ساده انگار کاسته و آنها را به گوشه عزلت کشانده اند.

از جهت دیگر بالعکس کسانی با صفات و القاب مسلمان بسیار خوب تحصیل یافته دانشگاه دینی مصر، عربستان سعودی، عراق و قوم ایران به صورت اغراق آمیز تمجید و ستایش شده اند. در حالیکه همچو صفات و آموزه های دینی - مذهبی و اخلاقی بخشی از موضوع شخصی محسوب انسان می شود، زیرا دنیای امروز و مسایل دولت داری و نهاد های یک دولت مدرن و کارا نیازمند دانش سیاسی، اقتصادی، تکنیکی، علمی و . . . است.

در افغانستان که از هر نوع حاکمیتی سخن گفته می شود و بیشتر از همه از حاکمیت دینی و الهی و چپی ها از حاکمیت طبقه و مردم سخن به وفور می زنند، اما بندرت کسی دم از حاکمیت انسان و حقوق بشر حرف می زند و اگر هم آنرا نفی و لعن نکنند و بنام ملحد و ننگ آلود لجن مال نسازند با شتاب موقعیت اش را غیر کار ساز و بی کفایت گفته محکوم و تخریب می کنند.

معلوم نیست این همه جنگ سالاران در حال و گذشته و سران گروه های قومی مثل گلبدین حکمتیار، احمد شاه مسعود که در اثر رقابت بر سر قدرت بیشتر از «حزب منحن دیموکراتیک خلق» افغانستان و دولت شوروی سابق بی حساب مردم را به قتل رساندند و شهر کابل و شهروندان را با خاک یکسان کردند و بالاخره که جهاد یست ها به حمایت دولت امریکا در تمام نهاد های دولت به قدرت تکیه زدند، تا توانستند به چور و چپاول پرداختند و سر انجام که امریکا از حمایت شان رو گشتاند، از ترس طالبان به کشور های حامی شان فرار کرده و یا در داخل به هر سوراخ و سمبه پناه بردند.

اکنون که نوبت به نسل دوم آنها رسیده چون احمد مسعود پسر احمد شاه مسعود، پسر عبدالرشید دوستم و پسر عطا محمد نور، معلوم نیست که این آقا زاده های جوان و تحصیل کرده باز هم به غیر از خدمت به برنامه کشور های حامی پدران شان و بر بادی کشور افغانستان چه خیالی در سر دارند؟

آیا به غیر از اسلام نمایی چیزی دیگر برای گفتن دارند اگر دارند صرفنظر از بیان جنایات پدران و حامیان شان، اقلاً یک نقدی از اشتباهات گذشته ارائه نمی دهند؟ آیا یکی از آنها کدام برنامه متفاوت از روش جنگ سالاران گذشته دارند، اگر آری چرا در معرض دید مردم نمی گذارند تا دیده شود که دارای چه تفاوت بوده و آیا در شرایط حاضر جنبه تطبیقی در کشور دارد یا خیر؟

لازم بود احمد مسعود قبل از تنگ بدست گرفتن و جنگ به راه نداشتن و از همه جا بیشتر مردم مظلوم پنج شیر را زیر تیغ بیرحم طالبان قرار دادن، اقلاً علل و اشتباهات و ناکامی پدرش را که سر انجام منجر به قتل وی گردید به تحقیق و بررسی می گرفت و با شناختن آن در رابطه با شرایط عینی و ذهنی جامعه افغانستان انتباه گرفته تا نمی باید راه های انحرافات گذشته را تعقیب کرده به خون ریزی بی حاصل ادامه می داد.

د پاپو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی په لیکوال په غږه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

احمد مسعود پسر شاه و شهزاده ولیعهد نیست که به عنوان ولیعهد ادعای تاج و تخت کرده و برای رسیدن به قدرت وارد جنگ شده تا ملامت و محکوم به بزدلی و بی مسئولیتی نشود. وی خوب می داند که نه چنین مسئولیتی را به دوش دارد و نه توان رسیدن به آن آرمان به قدرت رسیدن و یا به شکل کاذب قهرمان شدن. چون دوران گذشته و شرایط کاملاً از نظر داخلی و خارجی عوض شده و دیگر مردم رغبت به جنگ و جهاد نداد، دولت امریکا و دولت های دیگر حامی جهاد افغانستان هم ضرورت به حمایت از ادامه جنگ و جهاد علیه طالبان را در خود نمی بینند.

لذا کسانی که با رویای بدست آوردن میلیون ها دالر و برای رسیدن به امر و نهی گذشته در دل امید می پرورند چیزی جز خیال خام در سر می پرورند. و بی جهت بنام مقاومت ملی و غیره اینجا و آنجا قتل و قتل به راه انداخته و با سفر های دست خالی از کشور های حامی قبلی شان بر می گردند. پس بهتر خواهد بود بیشتر از این به کشتن و ادامه دادن به جنگ ابا ورزند. اگر احمد مسعود می خواهد به جایگاه دروغین پدر به لقب قهرمانی و یا به درجه شهادت برسد، از همین حالا مبارکش باد. مگر به شوق رسیدن به قدرت با استفاده از در ماندگی و جهل بعضی ها که طالب های در مانده تر از مردم پنج شیر و آدم های بی گناه دیگر را به کام مرگ میکشند و به افتخار تبلیغ میکند که امروز یک تعداد طالب را قتل عام نمودیم. اینگونه تبلیغ به غیر از ظلم و بیدادگری هیچ نشانی از قدرت و افتخار ندارد. معلوم است که او به تنهایی به جنگ خود علیه حکومت طالبان ادامه داده نمی تواند ولی باز هم مذبحخانه در داخل و خارج در تلاش است که به کمک دیگر جنگ سالاران و حمایت دول خارجی بار دیگر شهر کابل را این بار با جمعیت چند میلیونی آن به خاک و خون مبدل نمایند. مگر همه جنگ سالاران تجربه دارند و دریافته اند که بدون حمایت دولت امریکا نمیتوانند طالبان را شکست دهند، شاید به اشاره امریکا و از داخل همراه با جنگ سالاران دیگر یک مقدار به شدت جنگ ها علیه طالبان بافزایند که در آن صورت جنگ داخلی گذشته باز هم شکل جنگ پا تک ها را به خود خواهد گرفت.

از دید من شاید در آخرین تحلیل یگان امریکایی و یا رهبران بعضی دولت ها به مقصد یگان مانور علیه طالبان بخاطر رام و راضی ساختن آنها به خواست های خود شان، با احمد جان مسعود و یا عبدالرشید دوستم و دیگران حاضر به صحبت شوند، اما این دیگر خواب و خیال خواهد بود که تا سقوط حکومت طالبان به حمایت شان تا سقوط حکومت طالبان در کنار جنگ سالاران بی کفایت ایستاد شوند.

این را باید همه به خاطر داشته باشیم که چیزی جز یک قیام سازمان یافته بدون «خشونت» نمی تواند در برابر خشونت سازمان یافته طالبان با داشتن هر نوع سلاح و امکانات مادی در وضعیت جامعه سنتی با اکثریت مردم ایدئولوژی زده دینی و غرق در جهل به دولت و واقعاً قانونی و مردم سالاری رسید، بی تردید زمان زیاد می برد و کار فکری تبلیغی در جهت آگاهی و بیداری مردم می طلبد اما در حال مردم بنابر تجربه گذشته شان همین طالبان را نسبت به جنگسالاران یا به اصطلاح جهادست ها ترجیح می دهند.

در اخیر از جنگ جویان و دنباله روان شان باید پرسید: آیا تا کنون با آن همه جنگ و جنایات و ویرانی شهرها و در نتیجه این همه ناکامی و سر افکنگی بس نیست؟